




 بدون شک «کمال الملک» مهم‌ترین نقاش صدسال گذشته کشور است. او در زمان مظفردالدین شاه با سفر به اروپا، نقاشی رنگ و روغن و شیوه آکادمیک هنر در اروپا اواخر قرن ۱۹ را تجربه و تمرین کرد و به‌عنوان یک نقاش واقع‌گرای آکادمیک، توانست شهرت و جایگاهش را در هنر ایران تثبیت کند. اهمیت کمال‌الملک در این دوران به دلیل مهارت اجرایش در هنر قلم‌و‌ر و واقع‌گرا و آکادمیک یعنی شیوه‌ای که در بت‌نگری قدیم ایرانی و مکتب زند و قاجار وجود نداشت، است. کمال‌الملک یکی از نخستین مدراس هنری را تأسیس کرد و سال‌ها بسیاری سبک و شیوه‌های واقع‌گرای را به هنرجویانش آموخت و از این راه نقاشی آکادمیک و شیوه‌ها را برای مدت زیادی به‌عنوان تنها شیوه متداول نقاشی ایران شناساند. بنابراین مکتب کمال‌الملک به این شیوه اطلاق می‌شود که به موضوعات همیشه‌گی نقاشی غربی همچون: تک‌چهره، مناظر، بناهای شهری و مجالس اشخاص در آثارش می‌پردازد. البته باید توجه داشت که سبک کمال‌الملک و شاگردانش به هیچ‌وجه موجب ورود هنر مدرن به ایران نشد چون این هنر از خاستگاه دیگری می‌آمد. اینکه چرا کمال‌الملک هنر در حال شکل‌گیری امپرسیونیستی اروپا در زمان سفرش توجه‌نشان نداد و آن را نادیده گرفت، به خاطر این است که این نقاش دربار قاجاری سعی می‌کرد واقع‌گرایی را که در هنر قدیمی ایران و حتی مکتب زند و قاجار مستتر بود، ادامه دهد. او مبدأ آرزویی شد که پیش از او هم مطرح بود. اهمیت کمال‌الملک در این است که این خواست را با نبوغ و استادی خود به کمال رساند و از همکاران چون مسیب‌الملک که در همین دوره کار می‌کرد، پیشی گرفت. عامل دوم نیز این بود که کمال‌الملک در دورانی به هنر آکادمیک فرانسه و ایتالیا توجه نشان داد که شیوه مرسوم و جاذبه‌ها همین شیوه و قرائع‌گرای بود و امپرسیونیست‌ها با وجود اینکه دوران جدیدی در هنر اروپا را پایه‌گذاری کرده بودند اما هنوز به‌صورت رسمی و سبک رسمی دوران جا نینشاده بودند و فقط در حلقه خاصی از هنردوستان مطرح بود. بنابراین کمال‌الملک به‌عنوان یک هنرمند بی‌گناهی که بیشتر در کارآموزی و همراهی با شیوه دوران بود، توجه‌اش را به هنر رسمی دوران مطبوع کرد تا به هنر تازه‌ای که باید نزدیک به یک‌دهه‌ها طول می‌کشید که مورد قبول عموم قرار می‌گرفت.

مکتب کمال الملک و حیات مستقل هنر



نقاشی معاصر ایران، دارای چهار شیوه است که هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. اول، نقاشی ایرانی یا همان نگارگری که ریشه در تاریخ گذشته ما

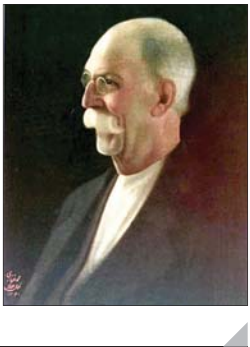
دارد و لوح خود را در عصر صفویه گذراند و همچنان ادامه دارد. دوم هنر خیالی نگاری که در تقاطعی قهوه‌خانه‌ای تجلی یافت و در عصر قاجار به لوح خود رسید و متأسفانه امروز به دلیل در گذشت بسیاری از استادان این رشته این هنر را در لوح نمی‌بینیم؛ اما سبک سوم، قهقهه‌طبیعت گرایانه هستند که سرسلسله آنها «کمال الملک» بود؛ که منبع و آغاز نقاشند این شیوه بود این هنر نیز همچنان در تابلو هنر کشور مستمت است. چهارمین جریان هنر در سده‌های هشتاد که در جریان دانشگاه هنر در دو دهه ابتدایی قرن حاضر شمسی، وارد عرصه هنر شدند و امروز نیز با قدرت در هنر کشور حضور دارند. اما برای اینکه بخواهیم کمال الملک را دارای یک مکتب هنری بدانیم، از آنجا که مکتب در تعریف خودش را از دیدگاه علمی دارد در حال حاضر نمی‌توان به مکتب هنری که کمال الملک رقم زد، هنر و نقاشی اطلاق کرد؛ زیرا این موضوع نیازمند نظریات کلاسیکی و تدوین مولفه‌ها را در سبک منتقدان هنر است؛ اما با تأسیس موزه مکتب کمال الملک و گردآوری آثار این هنرمند و شاگردانش در کنار هم، بستر تحقیق و پژوهش فراهم شده است. تأسیس موزه مکتب کمال الملک نتیجه‌ی راهی را فراهم آورده تا با گردآوری آثار برجسته‌ترین شاگردان این مکتب، زمینه آشنایی نسل جوان و تحقیق پژوهشگران فراهم شود. گردآوری این آثار، نتایجی را در مقابل مخاطبان می‌دهد تا در نقطه شروع این جریان هنری تالوع و فرود این آثار را مشاهده باشند. همچنین در این زمینه دیدن این آثار، این فرصت را در اختیار کسانی قرار خواهد داد که در این زمینه تحقیق داشته باشند. متأسفانه تاکنون مکان و مرجعی برای شناسایی دستاوردهای مکتب کمال الملک برای هنر ایران فراهم نبوده و از آنجا که من اطلاع دارم در موزه مکتب کمال الملک تلاش شده است هنرمندی از قلم نیندخت تا زمینه پژوهشی دانشجویان نقض نشود. اما مهم‌ترین نتایج‌های تأسیس موزه مکتب کمال الملک در شناختن و با این جریان هنری است که هنر ایران زمینه حضور بر قدرتمندترین مکتب داخلی و هنر کشور را فراهم آورد و از سوی دیگر شاهد ورود آثار این مکتب به بازار هنر داخلی و به تبع آن، بازارهای جهانی شود. از آنجا که امروزه بازار بین‌المللی اقتصاد هنر در اختیار هنر مدرن و معاصر است، با ایجاد شرایط شناسایی و پژوهشی در مکتب کمال الملک می‌توان این جریان را نیز وارد بازارهای داخلی و خارجی کرد. باید توجه داشت از آنجا که راه ورود به کتب تاریخ هنر، امروزه از بازار هنری می‌گذرد، ایجاد این زمینه برای جریان هنری که کمال الملک رقم زد، می‌تواند زمینه معرفتی هنر ایران به وسیله تابلو هنر را نیز فراهم آورد. نکته بعدی این است که مدرسه صنایع مستظرفه که سنگ بنای آن توسط کمال الملک گذاشته شد، اولین نقطه‌ای بود که هنر و فن را از هم جدا کرد؛ زیرا پیش از این زمان هنر، فن و صنعت در ادبیات مردم ما یکی بودند و تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه نتوانست، هنر را به موضوعی جدا از صنعت بدل کند و به هنر، حیات مستقل و شاکله مجزا ببخشد. به همین جهت، تأسیس موزه مکتب کمال الملک در مکان و خاکسنگ‌های اولیه خود در باغ نگارستان می‌تواند تأثیر بیشتری بر مخاطبان داشته باشد.

خانه سنگی



پرویز کلاتری

«کمال‌الملک» نقطه‌عطف هنر معاصر ایران است، اگرچه از سوی روشنفکران با کم‌اطفای روبه‌رو شد. جریان هنری که کمال‌الملک پا نهاده به صورت هم‌زمان، همراه با چند رویداد ملی، مکتب هنری کمال‌الملک هم‌زمان با جریان مشروطه‌خواهی ملت ایران همراه شد یعنی در دورانی که ملت ایران تجدیدخواهی را آغاز کرده، این جریان که هنر نیز نیازمند تغییر است حس شده بود. این هم‌زمانی تجدیدخواهی در قلمرو هنر نیز با سفر به اروپا آغاز شد و کمال‌الملک تحت‌تأثیر هنر رنسانس قرار گرفت و این تجدیدخواهی را در قلمرو زبان‌نگری به‌واقع‌گرایی دید. کمال‌الملک در این شکل نقطه‌عطفی را برای هنر یقین‌آورین رقم زد که روشنفکران در مورد آن به یضایی کردند. بسیاری معتقد هستند که کمال‌الملک جریان هنر امپرسیونیستی را در سفر به اروپا نادیده گرفت که این به یضایی است، زیرا او آنچه را که در اروپا دید، نگاه واقع‌گرایانه به هنر بود که خیلی اهمیت داشت. این حرف‌ها دیگر کهنه‌شد و مکتب کمال‌الملک یک اتفاق درست برای هنر ایران بود.



زرگر

ترویج نگاه نو در نقاشی



حسین محجوبی

«کمال‌الملک» پایه‌گذار نگاه نو در عرصه نقاشی ایران است. او در دوره‌ای که نقاشی در ایران به غیر از نگارگری نبوده، به اروپا سفر کرد و نوعی نگاه زانلیستی را از هنر اروپا گرفت و به کمک مدرسه‌ای که در آن‌روستا تاسیس کرد به ترویج این نگاه نو در هنر ایران دست زد. ارزش کاری که کمال‌الملک کرد، این است که باید او را مجدداً ظهور نگاهی جدید در هنر دانست. او سبک‌بنای تغییر را در عرصه هنر بنا گذاشت و با تاسیس مدرسه، به تفاعیل هنر و به شکل آکادمیک را بنا نهاد. اقدام او بسیار شد که هنرمندان نوگرای همچون ضیایور در ادامه این آموزش آکادمیک، جریان هنر مدرن را پیگیری کنند تا امروز که ما شاهد هستیم، هنر معاصر ایران همیای هنر روز دنیا در جریان است. کمال‌الملک هنرمندی بود که زانلیستی به پا به دروازه‌های هنر ایران زد. زمانی که در حال خود و هنر نویایی امپرسیونیستی در حال شکل‌گیری بود، آنجا که کمال‌الملک خود هنر واقع‌گرایانه می‌پسندید، به تحولاتی که در آن زمان در مسایلی همچون رنگ و تحول نور صورت گرفته بود، بی‌توجه ماند. این توان او را در عرصه دانست زیرا هر هنرمند نگاه و سبلی خود را در عالم هنر دنبال می‌کند.



فالگیر بغدادی، از شاخص‌ترین آثار کمال‌الملک

عروف خدمات کمال الملک و شاگردانش باشد؛ این در حالی است که اشتیاق جامعه برای کسب معارف و درک دستاوردهای مکتب کمال الملک، قابل درک است. سازمان بیابانسازی که وظیفه احیای خرابات فرهنگی و هنری شهر را بر عهده دارد، اکنون با علم به ضرورت ایجاد موزه‌ای با نام «مکتب کمال الملک» و همچنین با یقین به اینکه هر یک حرکت ملی فراگیر و پررنگ، در قضاوتی فرهنگی طرح تأسیس موزه مکتب کمال الملک را در دستور کار خود قرار داده و مجموعه‌ای از آثار استاد کمال الملک و شاگردانش را گرد هم آورده است. از آنجا که مجموعه شاگردان کمال الملک، بالغ بر ۱۵ نفر می‌شوند که بیش از ۵۰ نفر آنان، به مراتب ولای هنر دست یافتند، این سازمان موفق به خرید بیش از ۱۲۰ اثر از بهترین آثار این شاگردان برجسته شده که البته این آثار منحصر به دو نسل از پیروان این مکتب است که بخش عمده آن شاگردان ستم‌انسانان و بخش دیگر را شاگردان مدرسه کمال الملک که نسل دوم شاگردان این هنرمند هستند شامل می‌شود. در این موزه آثاری از هنرمندانی چون: ابوالحسن ذبیحی، آرشاک، اسکندر مستغنی، اسماعیل آشتیانی، جعفر پنگر، جوشید امینی، ستمعلی وزیری، حسین شیخ، حسینعلی مویبدی‌پزازی، رسام آرژنگی، رضا شهبازی، رضا میمنی، ملاعلی سیفناصری، شوکت‌الملوک قنقایی، صدراالدین تاجیانستشیرازی، علی‌نصر پنگر، علی رخساز، علی کریمی، علی محمودی، علی‌اشرف ولی، علی اکبر نجفی، علی اکبر نجم‌آبادی، علی اکبر یاسمی، عباس کاتوزیان، علی محمد مدیقمیان، رحمت‌الله علادی، علی‌علی‌علی شافقی، مازار گلبرگ، عباس حسن‌بهیلی، محسن حدادی، محمدعلی فروغی، محمود اولیاء، مصطفی نجفی، مهدی تاب، مهدی سجادی، رمصور آرژنگی، میشا (میکایل) شهبازیان، ناصر شهبازی، هادی تجویدی، یحیی زولتانفاهی، دوستعلی معیرالملک، هوشنگ پیملی و... به نمایش در خواهد آمد.

مجموعین در این مجموعه اسناد و مجموعه‌ای از عکس‌های مدرسه منابع مستظرفه جهت پژوهش‌های مختلف، گردآوری و ارایه خواهد شد که از این نمونه می‌توان حکم از رشدند تأسیس مدرسه منابع مستظرفه و احکام مدارس در مدرسه منابع مستظرفه اشاره کرد.

Cripplewood – Kreupelhou اثر برلیند دو برویک نام
بردر اثر او درختی عظیم و فروزاننده در مکانی نیمه تاریک و
مرطوب است که با یکصد هاجا و وصله های کهنه التیام داده
شده است. فرغی را در قفسه و فشارش یک سوی و
در تان از گمشدن انسان در غریبه مورد شده و مادر طبیعت
را برای مخاطب بازسازی می کند. اثر دیگر بان ایا نیمه موسیبت
می توان از اثر هنرمند کوزوویی برتیت هالیاج یا اثری از یاپوین
فنانند کاری از گروه ۱۱۱ به نام درخت سقوط کرده یاد کرد
که اتفاقی در تایمیک در بینال سال ۲۰۱۱ اشاره دارد که در
آن درختی عظیم در یاپوین فنلاند سقوط کرد که این رابطه
غرفه جمهری اسلوواکی را نیز بنیاد فراموش کرد که تماشا و
مشخصه با موضوع زیست می دهد. در یکی از جذاب ترین
غرفه های بینال اسمال غرفه کشور روسیه واقع در جیرادینی
است که با رنگ پر به مخاطب هنر گنوشد می کند که اثر هنری
معاصر می تواند علاوه بر یادون مفهوم و بار معنایی مناسب
و درگیر کردن ذهنی و فکری مخاطب را از نظر بصری نیز
اجرا و سیرد سازد. دالانده نام اثری از وادیم باموئی است
در آن هنرمند با الهام از افسانه یونانی دالانه ایان اثر می بدیل
را خلق می کند همان طور که در این افسانه آمده است که



عكس: AFP

کریمزاده‌ای، مرتضی دره‌بانی و محسن رستانی. قابل ذکر است که سی‌هزار سی‌هزار پرویز تلوکی (که موفق به بردن شیر طلایی نیز شده است) محسن وزیري مقدم و نیز در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ هجری شمسی در شرکت به این دوساله شده بودند اما قبل از سال ۱۳۴۲ ایران فقط به برادران غرغه (پاپون)‌های مستقل برای خود خرید نشده بود. با وجود عدم حضور رسمی ایران در دوساله پنجاه و پنجم نام هنرمندی ایرانی در میان اسامی بیشتر هنرمندان سایر نقاط جهان، به چشم می‌خورد؛ آثار تألیفات رزمی در غرغه و نیز که هر دوره با مجموعه‌ای از هنرمندان به پروژهای خاص می‌پرداخته، قرار گرفته‌اند. آثار او شامل یک ویدیوآرت به نام «ایای ایرانی» و یک مجموعه چاپ سیلک اسکرین است که هر دو آثار به موضوع وابسته اقتصادی در ایران و ارزش ریال» می‌باشد.

مؤید دوله‌ای گنجه‌شاه هنر مردان و غرغه‌های کشورها در کاخ جامع (Encyclopedic Palace): شامل مجموعه‌ای جدیدی (پارک شهر)، پاپوین مرکزی و آرساله، بیشترین تمرکز را دارند. سایر پاپوین‌ها و آثار در سطح شهر و در مکان‌های تاریخی همچون قصر کنتاری نیز پاپوینا برپا شده‌اند. بیشتر مجاری (رسانه هنری)، مورد استفاده گرفته در بینال پنجاه و پنجم (سیستم) است. تعداد آن از استفاده از ویدیوآرت را ردیویدو (چیدمان) است. غرغه‌ها و حتی آثار هنرمندان مستقل به نوعی به فضاسازی پرداخته‌اند که به حتم نزدیکترین طریق بین به مجوریتی است که توسط کریتوهای دوساله‌امسل در نظر گرفته شده است، یعنی قریه گریر هرچه بهتر مطابق در فشار قریه هنرمند (همان طور که برپا شده است) به آن اشاره کرده‌اند. مجموعه‌ای آثار خلاف آنجا به‌طور عموم در بازار هنر می‌بینیم، که این سال‌ها اکثرا شامل «جنسیت و زنان» هستند، در این دوساله به هویت انسان و موقعیتش در جهان و ارتباط با محیط زیست و سیاره‌ای که بر آن زیست می‌کند، این شکل می‌گیرد، به طور مثال این اشاره به محیط زیست است؛ توان از چیدمان در نظریه غرغه‌ها به نام

(ساکن آلمان) از پاپوین بریتانیای کبیر تعلق گرفت. سگال یکی از مطرح‌ترین هنرمندان نسسل جدید در آلمان است که اجرهای زنده (پرفورمنس) و کارهای نمایشی و کونگرافیک او توجه بسیاری را در هندوستان را متوجه خود کرده است و از او در این بینال نیز پرفورمنس است که همچون دیگر آثارش به رابطه بین مخاطب و اجراندگان می‌پردازد، در این کار که تا حدودی جنبه نمایشی هم دارد اجراندگان در غرفه برای بازی در میان آثار دیگر هنرمندان به اجرا و انجام حرکات کونگرافی بازمی‌نسنی خاص می‌پردازند با زنگارن، کلام و خود خارج می‌سازند که به نوعی به مکالمه با رستم و آوای بدنشان قرار دارد؛ آواهایی اسطوره‌ای، این کار شباهت زیادی به اثر قبلی او به نام «این پیوستگی» دارد. از دیگر وجوه مشترک این دو پرفورمنس نبود متن از پیش نوشته‌شده و بداهه اجراشدن آن است. کار او مبتنی بر فضا، مکان و زمانی است که اشغال می‌کند و تأثیر آن در حال کار می‌گذارد، صدای انسان، زبان و حرکات نشانه ابرار ورمودیا سگال در کارش است. مهم‌ترین رخدادهای بینال اسمال عدم حضور ایران در این رخداد مهم هنری است؛ به‌صورتی که کمتر کشوری شانس حضور و معرفی خود را از طریق هنرمندان، در آن، از دست می‌دهد اما متأسفانه از این دوره ایران، دوره هیچ نتیجه و پاسخ روشنی در سکوت کامل خبری از حضور در این میان هنری دوری جست، است. هرچند در دوره‌های قبلی نیز همیشه حضور هنرمندان و نحوه انتخاب و گزینش‌شان با بحث، جدل و اعتراضات بیشماری از سوی اقشار مختلف همراهی بوده، و روبرو بوده است. ایران در سده‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ به‌رای این دوسالانه تا به حال چهار بار به‌طور رسمی در آن شرکت داشته است، اولین بار در سال ۱۳۸۲ در پنجاهمین دوره و با حضور هنرمندانی همچون حسین خسروجردی، بهروز دراش و احمد نادعلیان و بار دوم در ۱۳۸۴ و بار دیگر در سال‌های ۱۳۸۸ حضور ایرج اسکندر، محمدرضا آوینی و صدقات مجاری و در ۱۳۹۰ با حضور محمدعلی قاضی‌پاشی، و مهشیر حبیبی

پنجاهمین دوره بینال (دوسالنه) ونیز اسمال نیزهجو دورهای گذشته از اول ماه ژوئن، فعالیت خود را آغاز کرد و بیست و چهارم نوامبر، برابر با سوم آذر، به کار خود ادامه خواهد داد. بینال ونیز یکی از بزرگترین رخدادهای هنری در دنیاست که هر دو سال یکبار، با گرد هم آمدن آثار هنرمندان اکثر کشورها به برپایی یک المپیک هنری می‌پردازد. از سال ۱۹۹۴ بینال هنر و معماری بر خلاف گذشته‌اش دیگر تنها بر اساس برپایی غرفه (پاویون‌های کشورهای مختلف) یا گالری‌ها، برنامهدیده نمیشود. به نمایند از هنر بود بلکه از سیاست اجرایی بدور علاوه بر حضور فعال بین‌المللی که هر کشور خود به انتخاب، گزینش و اعزام هنرمندی از کشورش مبادرت می‌ورزد. آثاری نیز از هنرمندان سراسر جهان به انتخاب تیم برگزار کننده بینال (مایشگاه‌گردان بینال) بر پایه هنجیت‌مردشران یا نمایش هنر معاصر در آن دوره خاص، از بینال انتخاب و مایشاد و نمایش میشوند.



لیلا جوینده
عضو هیات علمی
تنشگاه هنر تهران

پنجاهمین دوره بینال (دوسالنه) ونیز اسمال نیز هیموچ دوره‌های گذشته از اول ماه ژوئن، فعالیت خود را آغاز کرد و تا بیست‌و چهارم نوامبر، برابر با سوم آذر، به کار خود ادامه خواهد داد. بینال ونیز یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای هنری در نیاکسته در هر دو سال یکبار، با هر گردهم آیدن هنر آفریننده‌ها هنرمندان اکثر کشورها به برپایی یک المپیک هنری می‌پردازد. هنر آفریننده‌ها در سال ۱۹۹۸ بینال هنر و معماری برخلاف گذشته‌ها دیگر نه‌تنها بر اساس برپایی غرفه (پایون)‌های کشورهای مختلف پایه‌گذاری، برنامهریزی و به نمایش داده نمی‌شود بلکه بر اساس سیاست اجرایی جداگانه بر حضور غرفه‌های ملی‌المللی که در کشور خود به انتخاب گزینش و اعزام هنرمندان از هنرمندان می‌بازد آفریننده‌ها می‌پردازد آفریننده‌ها هنرمندان سراسر جهان به انتخاب تیم برگزارکننده بینال (مانیاشگاه گردان بینال) بر پایه ذهنیت منظرشان برای نمایش هنر معاصر در آن دوره خاص، از بینال انتخاب و نمایش داده می‌شوند.

طبق آیین‌نامه رسمی بینال و ثبت شده در کاتالوگ دوره پنجاهمین، از مشخصه‌های این دوره حیات بخشیدن به یک مانیشگاه پژوهش عظیم است، ماکسیمیلیان جیونی سرپرست مانیشگاه گردان‌های این دوره هدف خود و تمیض را در انتخاب و برنامه‌ریزی آفریننده‌ها واقعی هنرمندان بیان می‌کند؛ یعنی رسیدن به این اصل که اثر هنرمندی را تنها به هنر و هنرمندی آن تشکیل ندهد بلکه اثر هنری، وجودی و زندگی معاصر هنرمندش در نمای بیرونی بیرون است. پس آثار به گونه‌ای سازمان‌یافته‌اند که مخاطب بتواند به درستی در دنیا هنرمند قرار بگیرد تا هر چه بیشتر به درکی صحیح از هنر برسد. مانیشگاه گردان‌های این دوره آثار را به گونه‌ای برگزیده‌اند که نشانگر مقصد نهایی هنر معاصر و هنرمندش باشد، یعنی نقطه‌ای که در تصورات هنرمند هیچ نقیصه‌ای محدود بر اثرش وجود نداشته باشد. در این دوره ۸۸ کشور از سراسر دنیا شرکت کرده‌اند که در این میان ۱۰ کشور برای نخستین‌بار به نمایش آثار خود پرداخته‌اند، این کشورها شامل: انگولا، بامبلی، بحرین، ساحل عاج، کوزوو، لیبی، مالدیو، پاراگوئه و تووالو هستند.

جالب توجه است که طبق بهترین پایون این دوره نیز نصب پایون انگولا به مانیشگاه گردان‌های پانزدهمین و شانزدهمین و پانزدهمین عکاسش گسوس شاکلی شده است. این جایزه به مجموعه عکس‌های شاکلی به نام «یافتن گرفته‌نشده» تعلق گرفته است. در این مجموعه هنرمند به نمایش عکس‌هایی از آفریننده‌ها (شکل سحر و زندگی هنرمند) می‌پردازد؛ این عکس‌ها از آشیای موجود در کشور، آشیای رها شده و جملات زندگی مصرفی روزانه بر پیش‌زمینه‌ای یافتن فضای عامانه در هر همان حالت و وضعیت طبیعی و یافتن‌شدن عکسبرداری شده‌اند، هنرمند خواسته تا با این آشیای موجود که به نوعی نمایانگر هویت مکتبکست که در آن قرار گرفته‌اند، موجودیت هر شهر را در روند روزمره‌اش به نمایش بگذارد؛ از تطبیقی انسان، شهروند و ریتیم زندگی شهری. اما جایزه شهر طلایی هنرمند به نام «شهر طلایی» هنرمند هنرمندی است که بتواند متولد انگلیس